



# حجر اسماعیل

محمد امین پور امینی

در قسمت شمالی کعبه، دیواری قوسی شکل، از سنگ مرمر سفید، با ارتفاع یک متر و سی سانتیمتر دیده می‌شود که از نزدیکی زاویه شمالی کعبه (رکن عراقی) آغاز و به نزدیکی رکن غربی (شامی) ختم می‌شود؛ این جا حجر اسماعیل و خانه و مأوای فرزندان خلیل است، که از زوایای گوناگون، قابل بررسی است، و از نقطه نظر تاریخ حوادثی بی‌شمار به خود دیده است. در این سلسله مقالات، مباحث زیر مورد بررسی اجمالی است (که تفصیل آن به حول الهی در کتابی مستقل خواهد آمد):

- ۱ - حجر در لغت،
- ۲ - حجر اسماعیل در قرآن،
- ۳ - حجر اسماعیل در روایات،
- ۴ - حجر اسماعیل در فقه،
- ۵ - حجر اسماعیل در بستر تاریخ.

\* \* \*

## ۱ - حجر در لغت

لغت‌نویسان برای واژه «حجر» معانی مختلف ذکر کرده‌اند؛ از جمله: «منع و بازداشتن»، «فراگیری»، «عقل»، «دامن»، «پناه و حمایت»، «حطیم»، «اسب مؤنث» و «حرام» می‌باشد.

در معجم مقاییس اللغه آمده است: حجر «بازداشتن و فراگیری چیز»ی را گویند. همچنین به «عقل» حجر گویند؛ چون انسان را از انجام کارهای ناشایست باز می‌دارد، و به «حطیم» مکه نیز حجر گویند، و آن عبارت از مکانی گرد (قوسی

شکل) در نزد کعبه است.<sup>۱</sup>

فیومی با ذکر این سه معنا، برای کلمه «حجر»، انسان ممنوع از تصرف را «محجور» معرفی کرده است.<sup>۲</sup> و همین معانی را فیروزآبادی نیز ذکر نموده است.<sup>۳</sup> جوهری گوید: «حجر عبارت از دیواری است که بواسطه آن، محدوده جا و مکانی را مشخص سازی.»<sup>۴</sup>

ابن منظور با ذکر معنای «منع» برای حجر، از ازهری نقل می‌کند: «گفته می‌شود: «ایشان در حجر فلانی هستند»؛ یعنی آنان در حمایت، امان و پناه اویند.»

و «تاج العروس» از جمله معنای آن را «دامن انسان» و «حرام» ذکر کرده است.<sup>۵</sup> از مجموع کتابهای لغت استفاده می‌شود که معنای غالب واژه حجر، «منع و بازداشتن» می‌باشد، و بکار بردن آن در «عقل»، «فراگیری»، «حرام»، «دامن» و «پناه» نیز خالی از وجود معنای منع نیست، چه آن که در همه این معانی، معنای بازداشتن وجود دارد و با توجه به همین معنا است که در فقه، بابی تحت عنوان «کتاب الحجر» باز شده است که بر اساس آن، انسان به واسطه کوچکی سن، دیوانگی، بندگی، بیماری، سفیه بودن و مفلس شدن، ممنوع از تصرف در اموال خود می‌شود، که تفصیل آن در کتابهای فقهی نگاشته شده است. بنابر این ربط این معنا با مورد بحث، روشن می‌شود. مرحوم طریحی می‌نویسد: «اسماعیل فرزند ابراهیم پیامبر - علیهما السلام - مادر خود را در حجر دفن نمود، و اطراف آن را سنگ چین کرد تا قبر مادر زیر پای مردم واقع نگردد.»<sup>۶</sup> نتیجه آنکه: در واقع اسماعیل با این کار خود ایجاد مانع نمود، و این همان معنای غالب کلمه حجر است، و اگر معنای دیگر آن نیز مورد نظر باشد، باز قابل تطبیق است.

## ۲- حجر اسماعیل در قرآن

کلمه «حجر» در پنج جای قرآن مجید آمده است که در چهار مورد نظر به معنای لغوی<sup>۷</sup> و در یک مورد نظر به مکانی خاص دارد،<sup>۸</sup> و در رابطه با خصوص «حجر اسماعیل» باید گفت که اضافه حجر بر اسماعیل در قرآن کریم وجود ندارد، لیکن با توجه به عموم یک فقره از آیه شریفه، و با کمک از یک روایت، شمول آن بر این مکان شریف، استفاده می‌شود.

خداوند متعال در مقام بیان اهمیت و عظمت خانه خود می‌فرماید:

«إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًىً لِلْعَالَمِينَ، فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٍ مَّقَامِ

ابراهیم وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا»<sup>۹</sup>.

«اولین خانه‌ای که برای مردم بنا گردید همان خانه‌ای است که در مکه قرار دارد، که در آن برکت و هدایت مردم و آیات و نشانه‌های آشکار است، مقام ابراهیم در آنجا است، و هرکس که داخل آنجا شود، در امان می‌باشد و حج و زیارت آن خانه بر مردم واجب است، هرکسی که توانایی و استطاعت آن را بیابد».

نکاتی در این آیات شریفه وجود دارد که به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

خداوند متعال می‌فرماید: اولین خانه‌ای که برای مردم بنا گردید، کعبه است. بنای این خانه از جهت تکوین و تشریح قابل لحاظ است:

از جهت تکوین: در رابطه با مسأله «دحو الأرض» است و این که گسترش زمین از این نقطه آغاز شده است. در روایت آمده که: «موضع البیت بکة»<sup>۱۰</sup>؛ یعنی بکه جایگاه کعبه است. و از جهت تشریح: اولین مکانی که برای عبادت خداوند در نظر گرفته شد؛ عبارت از این مکان شریف است، که این مطلب با آنچه که امین الاسلام طبرسی در شأن نزول آیه شریفه، به نقل از مجاهد نقل کرده، سازگار است.

مجاهد می‌گوید: مسلمانان با یهود در مقام تفاخر برآمدند، یهودیان گفتند: بیت المقدس افضل و با عظمت‌تر از کعبه است؛ زیرا آنجا زمین مقدس و محل هجرت پیامبران است، مسلمانان گفتند: کعبه فضیلت بیشتری دارد؛ پس از آن خداوند این آیه را نازل فرمود: «ان اول بیت...»<sup>۱۱</sup> مرحوم علامه طباطبایی می‌فرماید: اولین قبله‌گاه، کعبه بوده است؛ چه آنکه کعبه توسط ابراهیم بنا گردید و برای عبادت قرار داده شد، به خلاف بیت المقدس که توسط سلیمان در چندین قرن پس از ابراهیم ساخته شد.<sup>۱۲</sup>

البته کار ابراهیم را باید بازسازی و بنای مجدد نامید؛ چرا که او اولین سازنده بیت الله نبوده است.

شیخ صدوق - ره - از ابوبصیر به نقل از امام صادق - علیه السلام - روایت کرده است: «حضرت آدم - علیه السلام - کسی است که کعبه را بنا نمود و پایه و اساس آن را نهاد».<sup>۱۳</sup> و این مطلب مؤیدهایی در روایات دارد که از جمله آنها، روایت عمران بن عطیه است و در بحث «امام باقر - ع - در حجر اسماعیل» خواهد آمد.

قرآن کریم در مقام ذکر خصوصیات این مکان شریف می‌فرماید:

«مبارکاً»؛ این خانه در بردارنده خیر کثیر است؛ مانند ثوابها، آموزش گناهان، رزق فراوان و... «و هدی للعالمین»؛ این خانه مایه هدایت خلائق است.

فقره مورد استشهاد بحث اینجاست که می‌فرماید:  
 «فیه آیات بینات»؛ در این مکان با عظمت نشانه‌های آشکار وجود دارد.  
 و پس از آن می‌فرماید:

«مقام ابراهیم»؛ سخن در رابطه با مقام ابراهیم و آیات بینات است.

بر طبق قرائت موجود که آیات به صورت جمع است (نه آیت) باید گفت که ذکر مقام ابراهیم بعد از آن، از باب ذکر خاص بعد از عام، و یا بدل بعض از کل است، و عطف بیان نیست، بنابر این می‌توان نتیجه گرفت که مقام ابراهیم فرد شاخص و نمونه برجسته آیات بینات بوده و خود تنها آیت نیست، اینجاست که باید سراغ دیگر مصادیق آیات بینات رفت.

شیخ طوسی به نقل از مجاهد آیات بینات را این گونه می‌شمارد: مقام ابراهیم، در امان بودن انسان خائف و گریزان در آن، از بین نرفتن سنگریزه‌ها با کثرت رمی‌کنندگان، پرواز نکردن پرندگان بر بالای خانه، شفا یافتن بیماران بواسطه نوشیدن آبش، تعجیل در سزای هتک‌کنندگان به حرمت آن و هلاکت اصحاب فیل.<sup>۱۴</sup>

شیخ طبرسی می‌فرماید: مفسرین آن را شامل مقام ابراهیم، حجرالأسود، حطیم، زمزم، مشاعر، ارکان کعبه، امنیت برای انسانها و حتی حیوانات می‌دانند.<sup>۱۵</sup>  
 طبری در تفسیر خود می‌نویسد: اهل تأویل در تأویل این فقره از آیه (فیه آیات بینات) و در مصادیق آن اختلاف کرده‌اند. بعضی از آنان گفته‌اند که آیات بینات عبارت از مقام ابراهیم و مشعر الحرام است.

طبری پس از ذکر روایاتی این قول را از ابن عباس نقل می‌کند و پس از آن می‌نویسد: قتاده و مجاهد گفته‌اند: «مقام ابراهیم از جمله آیات بینات است» و سرانجام این نظر را می‌پذیرد، و آن را اولی الأقوال بالصواب و نزدیکترین گفته‌ها به واقع معرفی کرده است. وی سپس سؤالی را مطرح می‌کند که اگر مقام ابراهیم از جمله آیات باشد، موارد دیگری را که بتوان از آیات بینات شمرد و در حق آنها این لفظ را اطلاق کرد، چیست؟ و خود جواب می‌دهد: از جمله آنها حَجَر و حطیم است.<sup>۱۶</sup>

بیضاوی مواردی شبیه به آنچه که شیخ طوسی ذکر فرموده آورده است.<sup>۱۷</sup>  
 قرطبی نیز مواردی چون: مقام ابراهیم، حجرالأسود، حطیم، زمزم و مشاعر را ذکر کرده و از ابوجعفر نحاس نقل کرده است که آیات بینات شامل: صفا، مروه، پرواز نکردن پرندگان بر فراز آن و کیفیت نزول باران در مسجد نسبت به جاهای دیگر زمین می‌شود.<sup>۱۸</sup>

جلال الدین سیوطی روایاتی را نقل می‌کند که بر اساس آنها، آیات بینات عبارت از: مقام

ابراهیم، مشعر، امنیت، وجوب حج بر مستطیح، کعبه، صفا و مروه می‌داند.<sup>۱۹</sup>  
 در تفسیر «روح البیان» نیز مواردی شبیه به آنچه که بیضاوی نقل کرده آمده است.<sup>۲۰</sup>  
 از مجموع آنچه نقل شد، استفاده می‌شود که با تکیه بر ظهور جمع آیات بینات، این معنا تنها در یک نشانه بارز - که البته از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است - یعنی مقام ابراهیم، که اثر پای آن پیامبر عظیم الشان را در خود حفظ کرده است منحصر نمی‌شود، و بی تردید حجر اسماعیل یکی از مصادیق بارز آن بشمار می‌آید، و اهمیت حجر از برخی از مواردی که مفسران در ذکر مصادیق آن عنوان کرده‌اند، بمراتب بیشتر است، و با توجه به این نکته که بعضی از اهل سنت حجر اسماعیل را حطیم می‌نامند، و ما بر اساس نقل آن را در جای دیگر مسجد می‌دانیم، شمول آن بر مورد بحث را طبری و قرطبی تصریح نموده‌اند.

در این میان آنچه که مهم است وجود یک روایت از معصوم - علیه السلام - می‌باشد. و بدیهی است که معصومین - علیهم السلام - بهترین مفسران آیات الهی‌اند، و فهم قرآن از دریچهٔ عترت بهترین و مطمئن‌ترین راه است،<sup>۲۱</sup> و آن روایت می‌تواند مورد بحث و محور کلام باشد.  
 شیخ کلینی - اعلی الله مقامه - به سندش از ابن سنان نقل می‌کند که او می‌گوید: از حضرت امام صادق - علیه السلام - دربارهٔ این قول خداوند که فرمود: «فیه آیات بینات» سؤال کردم، حضرت فرمود: آنها عبارتند از: «مقام ابراهیم» - که ابراهیم بر آن ایستاد و اثر دو پای او بر آن باقی ماند - و «حجر الأسود» و «خانهٔ اسماعیل».<sup>۲۲</sup>

این روایت را عیاشی نیز در تفسیر خود آورده است.<sup>۲۳</sup>  
 تنها سؤالی که ممکن است مطرح شود این است که: در روایت ابن سنان سخن از خانهٔ اسماعیل است، و این ربطی به حجر ندارد!  
 در پاسخ می‌گوییم: حجر اسماعیل همان خانهٔ اسماعیل است.  
 مفضل بن عمر از حضرت امام صادق - علیه السلام - نقل کرده است: «الجِجْرُ بیت اسماعیل»؛<sup>۲۴</sup> یعنی حجر خانهٔ اسماعیل است.  
 بنابراین دیگر هیچ اشکالی در شمول این آیهٔ شریفه بر حجر اسماعیل باقی نمی‌ماند.

### ۳ - حجر اسماعیل در روایات

#### ۱ - حجر اسماعیل از آیات بینات

تفصیل مطلب به مناسبت ذکر روایت ابن سنان در فصل قبل گذشت.

## ۲- فضیلت نماز در حجر اسماعیل

نماز در مسجد الحرام از فضیلت بسیار والایی برخوردار است، تا آنجا که برطبق بعضی از روایات، دو رکعت نماز در آن، با صد هزار رکعت در جای دیگر برابری می‌کند. صامت از امام صادق - علیه السلام - و آن حضرت از پدران بزرگوارش - علیهم السلام - روایت کرده است:

«الصلاة فی مسجد الحرام تعدل مائة الف صلاة»<sup>۲۵</sup>.

«نماز در مسجد الحرام با صد هزار نماز [در مکانهای دیگر] برابر است».

در روایت دیگر از امام صادق - علیه السلام - چنین آمده است:

«من صلی فی المسجد الحرام صلاة واحدة قبل الله - عز وجل - منه کل صلاة صلیها الی

ان یموت، والصلاة فيه بمائة الف صلاة»<sup>۲۶</sup>.

«هر کس یک نماز در مسجد الحرام بجای آورد، خداوند نمازهای گذشته و آینده او را تا

دم مرگ قبول خواهد کرد، و نماز در آن با صد هزار نماز برابر است».

این دو روایت اصل فضیلت بجای آوردن نماز در مسجد الحرام را بیان می‌کند، ولی سخن در

این است که در خود مسجد الحرام نیز اختلاف در مرتبه فضیلت وجود دارد.

ابو عبیده می‌گوید: به امام صادق - علیه السلام - عرض کردم: آیا نماز در تمامی حرم یکسان

است؟ حضرت فرمود: ای ابو عبیده، نماز در تمامی نقاط مسجد الحرام یکسان نیست، چگونه در حرم

یکسان باشد؟...<sup>۲۷</sup>

در رابطه با موقعیت حجر اسماعیل از برخی روایات استفاده می‌گردد که فضیلت نماز در آن،

در مقایسه با نقاط دیگر مسجد الحرام، در رتبه سوم قرار دارد، و بر همین اساس نیز مرحوم حرّ عاملی

بابی را در «وسائل الشیعه» گشوده است.<sup>۲۸</sup>

حسن بن الجهم می‌گوید: از حضرت امام رضا - علیه السلام - پرسیدم: بهترین جای مسجد

الحرام که نماز در آن فضیلت دارد کجاست؟ فرمود: حطیم، که در حد فاصل میان حجر و در کعبه واقع

شده است، پرسیدم: پس از آن کجاست؟ فرمود: در نزد مقام ابراهیم. عرض کردم: پس از آن را بیان

کنید، فرمود: در حجر، سپس سؤال کردم: پس از آن کجا؟ فرمود: هر چه که به کعبه نزدیکتر باشد.<sup>۲۹</sup>

لیکن در برخی دیگر از روایات این فضیلت را در رتبه دوم قرار داده است؛ مانند روایتی که

شیخ صدوق - ره - از حضرت امام صادق - علیه السلام - چنین نقل کرده است: «اِنَّ بَتوانی که همه

نمازهای واجب و غیر واجب را در حطیم بجای آوری چنان کن، که آنجا بهتر من مکان روی زمین

است، و در بین در کعبه و حجرالأسود واقع شده است، و اینجا مکانی است که خداوند توبه آدم را پذیرفت، بعد از آن نماز در جِجْر با فضیلت تر است، و پس از آن در حد فاصل میان رکن عراقی و در کعبه که جایگاه اول مقام بوده است، و بعد از آن نماز در پشت مقام ابراهیم - در جایگاه فعلی آن - و سرانجام هر چه که به کعبه نزدیک تر باشی افضل است.<sup>۳۰</sup>

بر طبق همین ترتیب در فقه رضوی مطلبی ذکر شده است.<sup>۳۱</sup>

علامه مجلسی - ره - نیز از خط شیخ محمد بن علی الجبعی از خط شیخ - ره - از حضرت امام صادق - علیه السلام - روایتی را بر همین چینش نقل کرده است.<sup>۳۲</sup>

اما بر اساس روایت مضمراهی که زراره نقل می کند جِجْر و مقام، در عرض یکدیگر، در رتبه پس از حطیم قرار دارند.<sup>۳۳</sup>

اضافه بر اینها، سیره عملی معصومین - علیهم السلام - به خوبی روشن کننده اهمیت، و بیان کننده فضیلت والای این مکان شریف است، و نمونه های آن در فصل آخر بحث خواهد آمد. تذکر این نکته مناسب است که استحباب بجای آوردن نماز در حجر اسماعیل، مربوط به غیر از نماز طواف واجب است، که تفصیل آن را در فصل چهارم ملاحظه خواهید نمود. و در میان حجر اسماعیل بهترین نقطه آن زیر ناودان است. در فقه رضوی آمده است: «و اکثر الصلاة فی الحجر، و تعمّد تحت المیزاب»؛<sup>۳۴</sup> «نماز را بسیار در حجر اسماعیل بجای آور، و قصد کن زیر ناودان را.

ابو بلال مکی می گوید: حضرت صادق - علیه السلام - را دیدم که داخل حجر شد، و در فاصله دو ذراع از کعبه (زیر ناودان) مشغول نماز شد، عرض کردم: من تاکنون هیچ یک از اهل بیت شما را ندیده ام که در مقابل ناودان نماز بخواند! حضرت فرمود: اینجا محل نماز شبر و شبیر دو فرزند هارون است!<sup>۳۵</sup>

### ۳- دعا در حجر اسماعیل

مسجد الحرام از بهترین جاها برای دعا و راز و نیاز و تضرع بدرگاه ربوبی است. کاهلی از امام صادق - علیه السلام - نقل کرده است: «أكثرُوا من الصلاة و الدعاء فی هذا المسجد»؛<sup>۳۶</sup> «نماز و دعا را زیاد در این مسجد (مسجد الحرام) بجای آورید».

حجر اسماعیل از جاهای برگزیده مسجد جهت دعا و انابه است، و شاهد بر آن علاوه بر روایات، سیره عملی معصومین - علیهم السلام - می باشد.

در فقه رضوی آمده است: «وَادِعْ عِنْدَهُ كَثِيرًا»؛<sup>۳۷</sup> «در نزد آن (حجر اسماعیل) بسیار دعا کن». علامه مجلسی - ره - به نقل از یک مجموعه خطی، پانزده مکان مناسب برای دعا را در مکه اینگونه شمرده است: زیر ناودان، نزد مقام، نزد حجرالأسود، بین مقام و در کعبه، داخل کعبه، نزد چاه زمزم، بر روی صفا و مروه، در مشعر، نزد جمرات سه گانه و هنگام دیدن کعبه.<sup>۳۸</sup>

فقیه محدث، قطب الدین راوندی، نقل می کند: امام صادق - علیه السلام - با گروهی از مردم، زیر ناودان در حجر نشسته بودند که پیرمردی پریشان خاطر به نزد ایشان آمد، و پس از عرض سلام گفت: من دوستدار شما اهل بیت بوده و از دشمنان شما بیزارم، گرفتاری بزرگی گریبان گیر من شده است و بدان جهت، به این خانه پناه آورده ام، ابتدا پرده کعبه را گرفتم، سپس به سمت شما آمدم، و امیدوارم که آن سبب نجات من باشد، آنگاه به گریه افتاد، و خود را بر روی حضرت انداخت، و مشغول بوسیدن سر و پای آن حضرت شد، امام خود را کنار می کشید، و بسیار ناراحت شد، آن قدر که اشک از چشمان مبارک حضرتش سرازیر شد، آنگاه حضرت رو به مردمی که حاضر بودند نمود و فرمود: این برادر شماست که از شما یاری می طلبد، دستانتان را - برای دعا - بردارید، حضرت دستان خود را بلند کرد، و ما نیز چنان کردیم، آنگاه چنین دعا فرمود:

«اللهم انك خلقت هذه النفس من طينة اخلصتها، وجعلت منها اوليائك و اولياء اوليائك و ان شئت ان تنحي عنها الافات فعلت، اللهم و قد تعوذنا بييتك الحرام الذي يأمن به كل شيء، و قد تعوذنا و أنا اسألك، يا من احتجب بنوره عن خلقه، أسألك بحق محمد و علي و فاطمه و الحسن و الحسين، يا غاية كل محزون و ملهوف و مكروب و مضطر مبتلى، ان تؤمنه بأماننا مما يجد، و ان تمحو من طينته ما قدر عليها من البلاء، و ان تفرج كربته يا أرحم الراحمين».<sup>۳۹</sup>

#### ۴- آب ناودان و شفای بیماران

ناودان کعبه در جهت شمال کعبه قرار دارد، و آب باران بام کعبه به داخل حجر اسماعیل می ریزد، این آب جهت مداوای بیماران تأثیر عجیب و اقتضای شفا بخشی دارد. در روایت نیز آمده است: «ماء المیزاب یشفی المریض»؛<sup>۴۰</sup> «آب ناودان کعبه، بیمار را شفا می دهد».

صارم می گوید: یکی از برادران ما در مکه بیمار شد، و آن قدر بیماری او شدت گرفت که به حالت احتضار افتاد. امام صادق - ع - را در راه دیدم، حضرت فرمود: صارم! فالانی چگونه است؟ گفتم: در حال جان دادن است، فرمود: اگر من بجای تو بودم به او آب ناودان می خورانیدم، من به جستجوی



آب رفتم، ولی کسی آن را نداشت. در این حال بودم که هوا متغیر و ابر و رعد و برق نمایان شد. باران آغازیدن گرفت، به مسجد آمدم، کسی را یافتم که ظرفی بهمراه داشت، یک درهم به او دادم و ظرف را از وی ستاندم، مقداری آب فراهم کرده و به سرعت سراغ برادر بیمارم رفتم، آب میزاب را به وی خورانیدم، چیزی نگذشت که سلامتی خود را بازیافت.<sup>۴۱</sup>

#### ۴ - حجر اسماعیل در فقه

حجر اسماعیل در فقه احکام مختص به خود دارد که به چند نمونه آن بطور خلاصه اشاره می‌شود:

##### ۱ - آیا نماز واجب را می‌توان در حجر خواند؟

سلار دیلمی در رابطه با مکان نمازگزار بحث کرده و آنها را بر چهار دسته تقسیم نموده است:

- ۱ - جاهایی که خواندن نماز در آنها ثواب دارد مثل مشاهد مشرفه، مساجد.
- ۲ - جاهایی که خواندن نماز در آنها مباح است، که عبارت از هر مکان غیر غصبی است که هیچ نهبی در رابطه با خواندن نماز در آن وارد نشده باشد.
- ۳ - جاهایی که ثواب خواندن نماز در آنها کم می‌شود، مثل کلیساها و کنیسه‌ها.
- ۴ - جاهایی که خواندن نماز در آنها حرام است، مثل مکان غصبی.<sup>۴۲</sup>

با توجه به این مقدمه ممکن است در نظر ابتدایی، به ذهن خواننده محترم چنین بیاید که چرا این سؤال در رابطه با حجر اسماعیل مطرح می‌شود؟ و اگر نگوییم که بواسطه ویژگی ممتاز و مختص به خود، دارای استحباب فوق العاده است، لااقل بخاطر جزء بودن برای مسجد الحرام، در قسم اول این تقسیم قرار دارد، پس شکی در جواز و بلکه در استحباب آن نباید کرد؟

لیکن ریشه مطلب در جای دیگر نهفته است، و آن این که:

«آیا حجر اسماعیل جزء کعبه بوده است یا نه؟»

روایات متعددی وجود دارد که جزء بودن حجر برای کعبه را نفی می‌کند. معاویه بن عمار می‌گوید از امام صادق - علیه السلام - پرسیدم: آیا حجر جزء کعبه است؟ و آیا قسمتی از آن جزء کعبه است؟ حضرت فرمود: خیر، حتی به اندازه سر ناخن چنین نیست، لیکن اسماعیل مادر خود را در آن دفن کرد، و بخاطر آن که زیر پای مردم قرار نگیرد اطراف آن را سنگ چین کرد...<sup>۴۳</sup>

در روایت زراره نیز جزء بودن حجر از کعبه بطور صریح نفی شده است.<sup>۴۴</sup>

برخی از فقها؛ از جمله یحیی بن سعید حلّی تصریح کرده‌اند که: «و لیس فی الحجر شی من

البیت»؛ «در حجر چیزی از کعبه وجود ندارد»<sup>۴۵</sup> و مرحوم آیت الله حکیم این مسأله را نظر اکثر فقها می‌داند و مستند آن را صحیحۀ معاویة بن عمّار قرار داده است.<sup>۴۶</sup>

در بین اهل سنت نیز این مسأله مورد اختلاف است، از ذکری نقل شده است که در بین ایشان سه نظر وجود دارد:

- ۱- تمامی حجر جزء کعبه است.
- ۲- قسمتی از حجر جزء کعبه است.
- ۳- هیچ نقطه‌ی حجر جزء کعبه نیست.<sup>۴۷</sup>

### حکم نماز واجب در حجر اسماعیل

روشن شد که بر طبق روایات، حجر اسماعیل از کعبه خارج بوده، و بنا بر این نماز در آن نه تنها مانعی نداشته که استحباب آن نیز ثابت است.

یونس بن یعقوب می‌گوید: به امام صادق - ع - عرض کردم که من در حجر مشغول نماز بودم، در این هنگام کسی به من گفت: نماز واجب را اینجا مخوان؛ زیرا که در حجر قسمتی از بیت (کعبه) وجود دارد، حضرت فرمود: او دروغ گفته است، هر قدر که می‌خواهی در آن نماز بخوان».<sup>۴۸</sup>

روایت ابو بلال مکی نیز دلالت بر فعل امام می‌کند، و ظاهر سؤال شخص سؤال کننده نیز در مورد نماز واجب است، که امام نیز در مقام پاسخ به علت بجا آوردن نماز در درون حجر فرمود: اینجا مصلای شبر و شبیر فرزندان هارون است.<sup>۴۹</sup>

### ۲- لزوم طواف در خارج حجر اسماعیل

فقها یکی از واجبات طواف را قرار دادن حجر اسماعیل در طواف دانسته‌اند. شیخ طوسی،<sup>۵۰</sup> شهید،<sup>۵۱</sup> مقدس اردبیلی،<sup>۵۲</sup> صاحب جواهر،<sup>۵۳</sup> صاحب ریاض (از غنیه)<sup>۵۴</sup> و سبزواری<sup>۵۵</sup> ادعای اجماع کرده‌اند.

اصل وجوب را عده‌ی زیادی از فقها؛ از جمله ابن ادریس،<sup>۵۶</sup> محقق حلی،<sup>۵۷</sup> علامه حلی،<sup>۵۸</sup> ابن براج،<sup>۵۹</sup> ابن حمزه،<sup>۶۰</sup> ابن سعید،<sup>۶۱</sup> شهید اول،<sup>۶۲</sup> شهید ثانی<sup>۶۳</sup> و امام خمینی<sup>۶۴</sup> در کتب خویش ذکر نموده‌اند، و حتی می‌توان گفت که غالب اهل تسنن نیز بر این رأی هستند، چه آن که شافعیه، مالکیه و حنابله بر این نظر می‌باشند،<sup>۶۵</sup> و تنها از ابو حنیفه نقل خلاف شده است.<sup>۶۶</sup>

از ذکر ادله‌ی مسأله، صرف نظر نموده، تنها به این نکته بسنده می‌کنیم که روایات صحیحه با

کمک و معاضدت سیره عملی معصومین و اجماع، در اثبات وجوب طواف در خارج حجر کفایت می‌کند، و توقف بر اثبات جزئیت همه حجر یا قسمتی از آن، برای کعبه ندارد.

### ۳- هنگام طواف حرکت روی دیوار حجر اسماعیل جایز نیست

این مسأله در واقع گرفته شده از مسأله قبلی است، با توجه به این که حجر اسماعیل باید داخل طواف قرار گیرد، اگر طواف کننده بر روی دیوار حجر حرکت نماید در حقیقت واجب را امتثال نکرده است، از این رو بسیاری از فقها این فرع را پس از ذکر مسأله قبلی، عنوان کرده‌اند؛ از جمله ابن حمزه در «الوسیله»، محقق حلی در «شرایع الإسلام»، علامه حلی در «قواعد الأحکام» و «تحریر الأحکام» و «منتهی المطلب»، و ابن براج در «المهذب»، ابن سعید در «الجامع للشرایع»، صاحب جواهر در «جواهر الکلام» و امام خمینی در «تحریر الوسیله»، این فرع را با صراحت مطرح ساخته‌اند، و لازمه کلام شیخ در «الخلافا» و ابن ادریس در «السرائر» نیز همین مطلب است.<sup>۶۷</sup>

### ۴- بجا آوردن نماز طواف واجب در حجر اسماعیل جایز نیست

بیان این سخن مبتنی بر روشن شدن دو مطلب است:

الف: آیا نماز «طواف واجب»، واجب است؟

ب: آیا باید نماز طواف واجب را در مکانی خاص بجا آورد؟

در پاسخ به پرسش اول باید گفت که اکثر فقها می‌گویند: واجب است. شیخ طوسی می‌فرماید: دو رکعت نماز طواف در نزد اکثر اصحاب ما واجب است. ابو حنیفه و مالک و اوزاعی و ثوری نیز این نظر را دارند،<sup>۶۸</sup> علامه حلی نیز این نظر را به اکثر علما نسبت می‌دهد.<sup>۶۹</sup> از جمله کسانی که چنین فرموده‌اند: شیخ طوسی،<sup>۷۰</sup> ابوصلاح حلبی،<sup>۷۱</sup> ابن براج،<sup>۷۲</sup> ابن ادریس،<sup>۷۳</sup> ابن حمزه،<sup>۷۴</sup> علامه حلی،<sup>۷۵</sup> شهید اول،<sup>۷۶</sup> شهید ثانی،<sup>۷۷</sup> مقدس اردبیلی<sup>۷۸</sup> و صاحب ریاض<sup>۷۹</sup> می‌باشند.

و در پاسخ پرسش دوم باید گفت: بر طبق فرمایش صاحب جواهر، مشهور بین فقها این است که باید آن را در مکانی خاص - پشت مقام فعلی ابراهیم - بجا آورد،<sup>۸۰</sup> علامه حلی نیز آن را به اکثر علما نسبت داده و قول مالک و ثوری را نیز همین می‌داند،<sup>۸۱</sup> و شهید ثانی آن را قول مشهور بین اصحاب و مورد اتفاق متأخرین معرفی کرده است،<sup>۸۲</sup> و لذاست که علاوه بر فقهایی که متعرض نظرشان نسبت به اصل وجوب نماز طواف شدیم، محقق حلی،<sup>۸۳</sup> و به تبع ایشان صاحب جواهر،<sup>۸۴</sup> شهید ثانی،<sup>۸۵</sup> و همچنین امام خمینی<sup>۸۶</sup> متعرض تحدید مکان نماز طواف در مقام ابراهیم شده‌اند.

با توجه به این دو مطلب، روشن می‌شود که نماز طواف واجب را نمی‌توان در حجر اسماعیل بجا آورد، و علاوه بر آن روایتی است که شیخ طوسی از محمد بن سنان، از عبدالله بن مسکان (که از اصحاب اجماع است) از ابوعبدالله ابیزاری نقل می‌کند که از حضرت امام صادق - ع - دربارهٔ مردی که بر اثر فراموشی، دو رکعت نماز طواف واجب خود را در حجر خوانده است سؤال کردم، حضرت فرمود:

باید آن دو رکعت را پشت مقام دوباره انجام دهد؛ چون خداوند می‌فرماید: «وَأَتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى»،<sup>۸۷</sup> از ذکر ادلهٔ مسأله که عبارت از بیان آیه و روایات و پیروی از فعل معصوم است، می‌گذریم.

مطالب عنوان شده در رابطه با نماز طواف واجب بود، اما نماز طواف مستحبی را بسیاری از فقها؛ از جمله شهید ثانی<sup>۸۸</sup> و صاحب جواهر<sup>۸۹</sup> و مراجع معظم معاصر<sup>۹۰</sup> تصریح کرده‌اند که می‌توان در هر جای مسجد خواند، و صاحب جواهر می‌فرماید: من مخالفی را از جهت نص و فتوا نیافته‌ام.<sup>۹۱</sup>

#### ۵ - استحباب دو رکعت نماز قبل از احرام حج در حجر اسماعیل

این مسأله در فرع بعدی روشن می‌گردد.

#### ۶ - استحباب احرام حج از میان حجر اسماعیل در روز ترویبه

روز هشتم ذی الحجه را روز ترویبه می‌نامند. معمولاً در این روز حجاج محرم شده و به سوی عرفات رهسپار می‌گردند. باید از مکه احرام بست، لیکن فضیلت آن در احرام بستن از کنار مقام ابراهیم و یا در میان حجر اسماعیل است.

در صحیحہ معاویة بن عمار از امام صادق - علیه السلام - چنین نقل شده است:

«وقتی که روز ترویبه شد غسل کن، آنگاه دو لباس (احرام) خود را بر تن نموده و با پای برهنه و وقار کامل، داخل مسجد الحرام شو، سپس دو رکعت نماز در نزد مقام و یا در میان حجر (اسماعیل) بجا آور و در آنجا بنشین تا وقتی که زوال خورشید (هنگام ظهر) فرا رسد، و نماز واجب خود را بخوان، پس از آن آنچه را که در مسجد شجره در وقت محرم شدن گفتی بگو و برای حج محرم شو، در حالی که آرامش و وقار خود را نگاه داشته باشی...»<sup>۹۲</sup>

همانطوری که صاحب جواهر فرموده است، امر در این روایت حمل بر استحباب شده است،<sup>۹۳</sup> بر طبق این روایت برای کسی که می‌خواهد احرام حج ببندد، انجام چند کار مستحب است که

دو مورد آن در رابطه با مورد بحث است:

- ۱- انجام دو رکعت نماز در مقام ابراهیم و یا در حجر اسماعیل، مقدس اردبیلی می‌فرماید: ظاهر آن است که این دو رکعت برای احرام اوست، و بعد احتمال می‌دهد که جهت تحیت - مسجد - باشد.<sup>۹۴</sup>
- ۲- احرام حج در نزد مقام ابراهیم و یا در حجر اسماعیل، و بر همین اساس محقق حلی<sup>۹۵</sup> و ابن سعید<sup>۹۶</sup> و علامه حلی<sup>۹۷</sup> و سید کاظم یزدی<sup>۹۸</sup> و مرحوم آقای حکیم<sup>۹۹</sup> استحباب محرم شدن در یکی از این دو مکان را بیان فرموده‌اند، ولی علامه حلی در دو کتاب دیگر خود، تنها به استحباب احرام بستن در زیر ناودان (حجر اسماعیل) بسنده کرده است.<sup>۱۰۰</sup> مقدس اردبیلی پس از ذکر صحیحه معاویه بن عمار بر علامه اعتراض می‌کند که از این روایت تخییر بین مقام و حجر استفاده می‌شود، و چه بسا به خاطر مقدم داشتن مقام بر حجر در روایت، سزاوارتر بودن مقام نیز فهمیده شود، پس این که ایشان تنها «تحت المیزاب» (حجر اسماعیل) را ذکر کرده است جای تأمل دارد.<sup>۱۰۱</sup>

### پی‌نوشت‌ها:

- ۱- معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۱۳۸.
- آقایان اهل سنت حجر اسماعیل را حطیم نامیده‌اند، و ما برحسب روایات و نصوص، آن را در مکانی حدّ فاصل میان در کعبه و حجرالأسود می‌دانیم.
- ۲- المصباح المنیر، ص ۱۲۱ و ۱۲۲.
- ۳- القاموس المحيط، ج ۲، ص ۴.
- ۴- الصحاح، ج ۲، ص ۶۲۴.
- ۵- تاج العروس، ج ۱۰، ص ۵۳۶ - ۵۳۰.
- ۶- مجمع البحرین، ج ۳، ص ۲۶۰.
- ۷- فرقان: ۲۳ و ۵۳؛ فجر: ۵؛ انعام: ۱۳۸.
- ۸- حجر: ۸۰.
- ۹- آل عمران: ۹۶ و ۹۷.
- ۱۰- تفسیر نوارالثقلین، ج ۱، ص ۳۶۷، ح ۲۵۳.
- ۱۱- تفسیر مجمع البیان، ج ۱، ص ۴۷۷.
- ۱۲- تفسیر المیزان، ج ۳، ص ۳۵۰.
- ۱۳- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۳۵، ح ۲۲۸۶.
- ۱۴- تفسیر التبیان، ج ۲، ص ۵۳۶.
- ۱۵- تفسیر مجمع البیان، ج ۱، ص ۴۷۸.
- ۱۶- تفسیر جامع البیان، ج ۴، ص ۸ و ۹.

- ١٧ - تفسير بيضاوى، ج ١، ص ١٧١.
- ١٨ - تفسير الجامع لأحكام القرآن، ج ١، ص ٩٠.
- ١٩ - تفسير الدر المنثور، ج ٢، ص ٥٤.
- ٢٠ - تفسير روح البيان، ج ٢، ص ٦٧.
- ٢١ - امام باقر - عليه السلام - به قتاده فرمود: «ويحك يا قتادة، انما يعرف القرآن من خوطب به»؛ الكافى، ج ٨، ص ٣١١، ح ٤٨٥؛ از او بحار الانوار، ج ٢٤، ص ٢٣٧.
- ٢٢ - الكافى (الفروع)، ج ٤، ص ٢٢٣، ح ١؛ از او جامع احاديث الشيعة، ج ١٠، ص ٩٣، ح ٢١٤.
- ٢٣ - تفسير العياشى، ج ١، ص ١٨٧، ح ٩٩؛ از او تفسير البرهان، ج ١، ص ٣٠١، ح ٢٦.
- ٢٤ - الكافى، ج ٤، ص ٢١٠، ح ١٤؛ از او وسائل الشيعة، ج ٩، ص ٤٣٠، ح ٣.
- ٢٥ - جامع احاديث الشيعة، ج ٤، ص ٥٠٤، ح ١٦٠١.
- ٢٦ - همان، ج ٤، ص ٥٠٧، ح ١٦١٤.
- ٢٧ - وسائل الشيعة، ج ٣، ص ٥٣٩، ح ٥.
- ٢٨ - همان، ج ٣، ص ٥٣٨، كتاب الصلاة، ابواب احكام المساجد، باب ٥٣، باب جواز استبدال المصلى فى المسجد للمقام واستحباب اختيار الصلاة فى الحطيم، ثم المقام الاول، ثم الحجر، ثم ماذنى البيت.
- ٢٩ - الكافى، ج ٤، ص ٥٢٥، ح ١؛ از او وسائل الشيعة، ج ٣، ص ٥٣٨، ح ٢.
- ٣٠ - من لا يحضره الفقيه، ج ٢، ص ٢٠٩، ح ٢١٧٠.
- ٣١ - الفقه المنسوب للإمام الرضا، ص ٢٤٤.
- ٣٢ - بحار الأنوار، ج ٩٩، ص ٢٣١، ح ٧.
- ٣٣ - الكافى، ج ٤، ص ٥٢٦، ح ٩؛ از او جامع احاديث الشيعة، ج ٤، ص ٥٠٦، ح ١٦١٣.
- ٣٤ - الفقه المنسوب للإمام الرضا - ع -، ص ٢٢٢؛ از او بحار الانوار، ج ٩٩، ص ٢٣٠.
- ٣٥ - الكافى، ج ٤، ص ٢١٤، ح ٩؛ از او وسائل الشيعة، ج ٣، ص ٥٣٩، ح ٤.
- ٣٦ - جامع احاديث الشيعة، ج ٤، ص ٥٠٦، ح ١٦١٠.
- ٣٧ - الفقه المنسوب للإمام الرضا - ع -، ص ٢٢٢.
- ٣٨ - بحار الانوار، ج ٩٣، ص ٣٤٩.
- ٣٩ - الدعوات، ص ٢٠٤، ح ٥٥٧؛ از او بحار الانوار، ج ٤٧، ص ١٢٢، ح ١٧.
- ٤٠ - بحار الانوار، ج ٦٢، ص ٢٨٦، ح ٧٢.
- ٤١ - همان، ج ٦٦، ص ٤٥٧، ح ٤٤.
- ٤٢ - المراسم، ص ٦٥.
- ٤٣ - وسائل الشيعة، ج ٩، ص ٤٢٩، باب ٣٠، ح ١.
- ٤٤ - همان، ج ٣، ص ٥٤٠، ح ٢.
- ٤٥ - الجامع للشرايع، ص ٢٣٠.
- ٤٦ - مستمسك العروة الوثقى، ج ٥، ص ١٧٥.
- ٤٧ - همان.
- ٤٨ - همان، ج ٣، ص ٥٤٠، ح ١؛ جامع احاديث الشيعة، ج ٤، ص ٥١١.
- ٤٩ - همان، ج ٣، ص ٥٣٩، ح ٤.
- ٥٠ - الخلاف، ج ٢، ص ٣٢٤، مسألة ١٣٢.

- ۵۱ - محکی ذکری در مستمسک العروة الوثقی، ج ۵، ص ۱۷۵.
- ۵۲ - مجمع الفائده و البرهان، ج ۷، ص ۷۹.
- ۵۳ - جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۲۹۲.
- ۵۴ - ریاض المسائل، ج ۱، ص ۴۰۶.
- ۵۵ - کفایة الاحکام، ص ۶۶.
- ۵۶ - السرائر، ج ۱، ص ۵۷۲.
- ۵۷ - المختصر النافع، ص ۹۳؛ شرایع الإسلام، ج ۱، ص ۲۶۷.
- ۵۸ - قواعد الأحکام، ج ۱، ص ۸۳؛ تحریر الأحکام، ج ۱، ص ۹۸؛ تبصرة المتعلمین، ص ۶۷؛ ارشاد الأذهان، ج ۱، ص ۳۲۴؛ منتهی المطلب، ج ۲، ص ۶۹۱.
- ۵۹ - المهذب، ج ۱، ص ۲۳۳.
- ۶۰ - الوسیله، ص ۱۷۳.
- ۶۱ - الجامع للشرایع، ص ۱۹۷.
- ۶۲ - اللمعة الدمشقیة (چاپ شده در متن الروضة البهیة، ج ۲، ص ۲۴۹).
- ۶۳ - الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ج ۲، ص ۲۴۹.
- ۶۴ - تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۳۳.
- ۶۵ - الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۵۴؛ الخلاف، ج ۲، ص ۳۲۴؛ مسألة ۱۳۲.
- ۶۶ - الخلاف، ج ۲، ص ۳۲۴؛ مسألة ۱۳۲؛ منتهی المطلب، ج ۲، ص ۶۹۱.
- ۶۷ - آدرس مصادر یاد شده همان است که در فرع قبلی عنوان شد.
- ۶۸ - الخلاف، ج ۲، ص ۳۲۷؛ مسألة ۱۳۸.
- ۶۹ - منتهی المطلب، ج ۲، ص ۶۹۱.
- ۷۰ - النهایة، ص ۲۴۲ و ۲۷۲.
- ۷۱ - الکافی فی الفقه، ص ۱۵۷.
- ۷۲ - المهذب، ج ۱، ص ۱۲۸.
- ۷۳ - السرائر، ج ۱، ص ۵۷۶.
- ۷۴ - الوسیله، ص ۱۷۲.
- ۷۵ - قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۸۳؛ منتهی المطلب، ج ۲، ص ۶۹۱؛ تبصرة المتعلمین، ص ۶۷.
- ۷۶ - البیان، ص ۶۸؛ اللمعة الدمشقیة (چاپ شده در متن الروضة البهیة، ج ۲، ص ۲۵۰).
- ۷۷ - الروضة البهیة، ج ۲، ص ۲۵۰.
- ۷۸ - مجمع الفائده و البرهان، ج ۷، ص ۸۷.
- ۷۹ - ریاض المسائل، ج ۱، ص ۴۶۰.
- ۸۰ - جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۳۱۴.
- ۸۱ - منتهی المطلب، ج ۲، ص ۶۹۱.
- ۸۲ - مسالک الافهام، ج ۲، ص ۳۳۸.
- ۸۳ - شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۲۶۸؛ المختصر النافع، ص ۹۳.
- ۸۴ - جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۳۱۴.
- ۸۵ - مسالک الافهام، ج ۲، ص ۳۳۸.

- ٨٦- تحرير الوسيله، ج ١، ص ٤٣٦.
- ٨٧- وسائل الشيعه، ج ٩، ص ٤٨٠، باب ٧٢، از ابواب الطواف، ح ٢.
- ٨٨- مسالك الافهام، ج ٢، ص ٣٣٨.
- ٨٩- جواهر الكلام، ج ١٩، ص ٣٢٠.
- ٩٠- آراء المراجع، ص ٢٧٠.
- ٩١- جواهر الكلام، ج ١٩، ص ٣٢٠.
- ٩٢- وسائل الشيعه، ج ١٠، ص ٢، باب ١، از ابواب احرام الحج، ح ١.
- ٩٣- جواهر الكلام، ج ١٩، ص ٣.
- ٩٤- مجمع الفائدة و البرهان، ج ٧، ص ١٨٦.
- ٩٥- المختصر النافع، ص ٧٩.
- ٩٦- الجامع للشرائع، ص ٢٠٤.
- ٩٧- قواعد الاحكام، ج ١، ص ٨٥؛ تحرير الاحكام، ج ١، ص ١٠١.
- ٩٨- العروة الوثقى، ج ٢، ص ٣٦٣.
- ٩٩- مستمسك العروة الوثقى، ج ١١، ص ٢٠٤.
- ١٠٠- تبصرة المتعلمين، ص ٧٠؛ ارشاد الازهان، ج ١، ص ٣٢٨.
- ١٠١- مجمع الفائدة و البرهان، ج ٧، ص ١٨٦.